

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0152

<http://hdl.handle.net/2333.1/dncjsxrx>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu



(عدد)

۱۰

کتابخانه

مجلس شورای ملی
عزیزان

(عدد)

۱۰

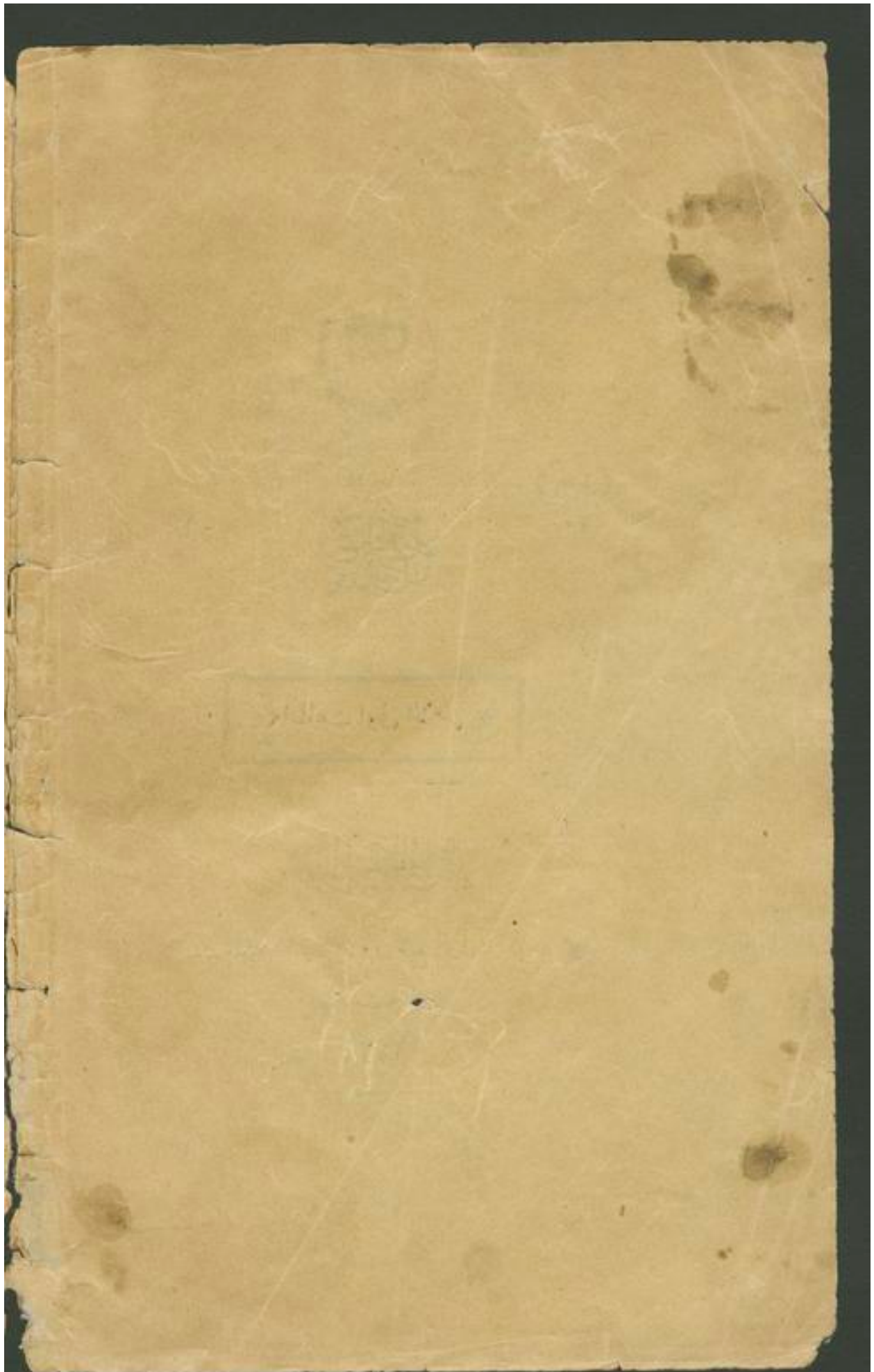
اطاعت اولی الامر

دارالاسلام

در مطبعه عنایت بزبور طبع آراسته گردید

سنه

۱۳۳۴





(عدد)

۱۰

کتابخانه

مجلس شورای ملی

(عدد)

۱۰

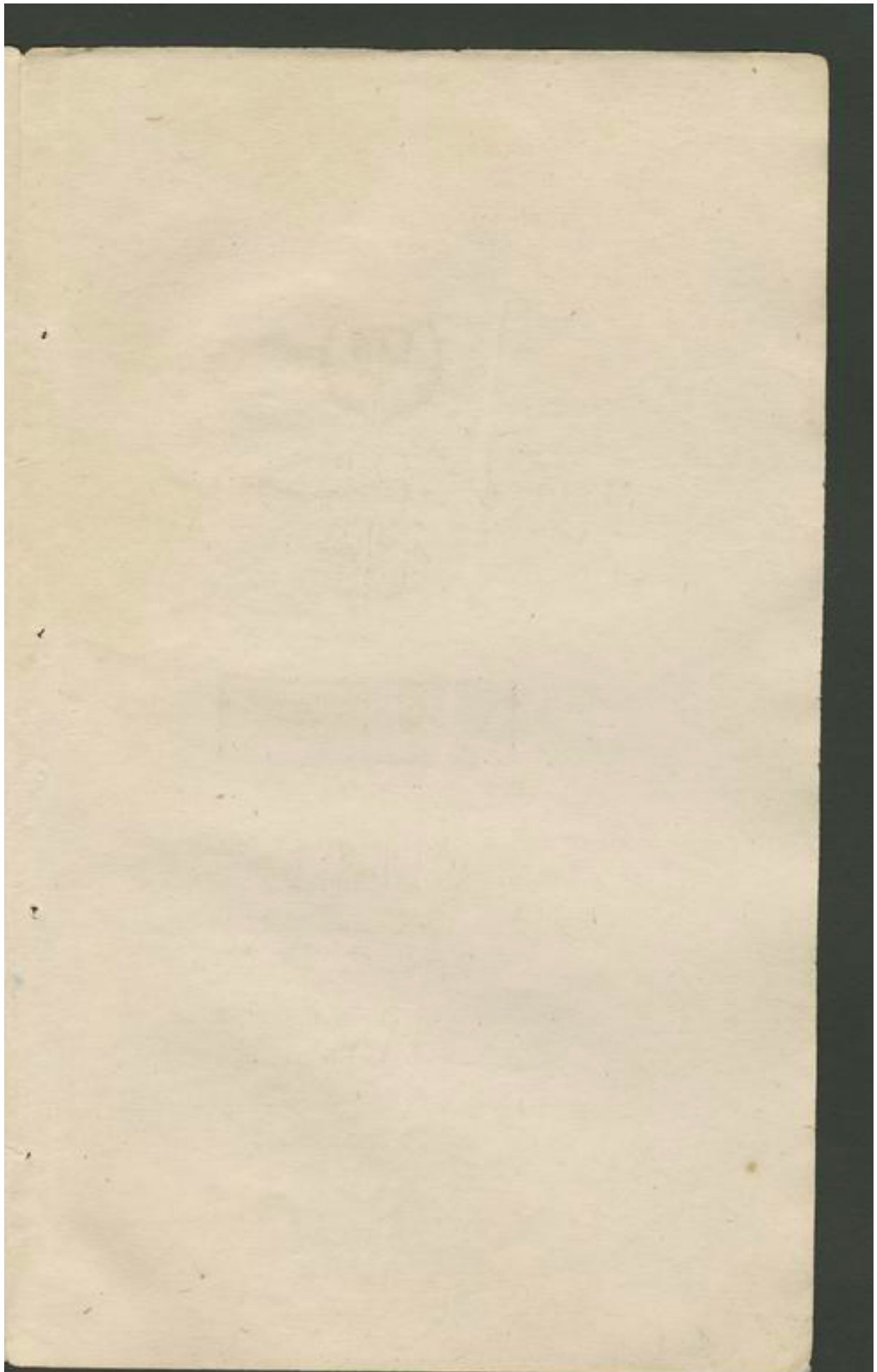
اطاعات اولی الامر

کتابخانه مجلس شورای ملی

در مطبعه عنایت بزبور طبع آراسته گردید

سنة

۱۳۳۴



(۳)

بسم الله الرحمن الرحيم

— افاده مرام —

این امر از بدهیات و غیر محتاج تفکر است که چون اراده ازلی
حضرت الهی جل جلاله بترقی حالت ملتی متعاقب کردد جمیع
ارادات افراد ملت را بیکطرف متوجه ساخته و شقاق و نفاق را
از حقیقت بواطن شان مرفوع و مدفوع گردانیده همگی افراد
ملت متفق اللفظ و المعنی در ترقی دین و دنیا سعی و جاهد بوده یکی
در تحصیل مقصد آندیکر کوشیده و هر فرد مقصد برادر مسامحان
خود را مقصد و مراد خود دانسته تا اینکه مقاصد همگنان همان
یک گردیده یک اتحاد ذاتی و اتفاق حقیقی بروز میکنند که در عین
کثرت افراد ملت یکوحدتی ملاحظه میشود و نتیجه آن سعادت
دارین بوده در مملکت صغیر فوائد کثیره مادی و معنوی حاصل
میگردد و ترقیات فوق العاده در مدت قلیل نمایان میشود که در ممالک

(۴)

وسیمه کبره که ازین سعادت اتحاد و اتفاق محروم باشند در مدهای
بسیار همچنان نتایج حسنه ظهور نموده نمیتواند .
و این سعادت اتفاق و اتحاد از چه حاصل میشود معلوم است
که علت اصلی آن (اتحاد مقصد است) که اگر مقصد جمیع
افراد ملت ترقی دین باشد دین شان ترقی میکند و اگر بترقی دنیا
متفقاً متوجه گردند دنیای شان ترقی میکند و تحصیل این مطلب
اعلی و مقصد اقصای (اتحاد مقصد) که مایه سعادت دارین و ترقی
کونین است در اطاعت و اتباع فردا اول و در کن اکل دین و دولت
و روح و روان رعیت که وجود با وجود خایفه زمان و سایه حضرت
رحیم رحمن است انحصار دارد و بمنجز این امکان حصول ندارد
زیرا که چون اراده ازلی برین رفته است که در هر وقت و هر زمان
بندکان خود را پی وجود انبیا و رسولان برحق براه راست
نیاورده و هدایت و ارشاد شان را بذریعه انبیای زمان حاصل داشته
و بعد از ختم نبوت خلفای راشدین را جانشین پیغمبر مقرر فرموده
و همان وظیفه مقدسه هدایت و ارشاد عباد را بردوش ایشان گذاشته
و بعد از زمان خلافت راشدین حقوق خلافت راشدین را بر ذمه
سلاطین اسلام وضع فرموده تا زمانی که مسلمانان اطاعت و محبت
خلفای اسلام را حرز جان می دانستند دین و دنیای شان ترقی
و تعالی نموده سلطنت اسلامی بعالو شان و ترقی و وسعت نمایان

(۵)

رسید و از آن زمان باز که مطلب اعلای (اتحاد مقصد) برطرف
گشته و مقاصد مسلمانان از یکدیگر متغایر گردیده واضح و لایح
است که حالت اسلام و سلطنت اسلامیہ نیز رو بہ تزل و تسفل
داشته است

بناءً علی هذا ماملت افغان را کہ والحمد لله والمنة یکدین و یک
مذهب و یک پادشاه دینپناه داریم و بحمیت ذاتی و شجاعت فطری
متصف میباشیم - و مقصد پادشاه ورعیت و جمیع افراد مملکت ما
یک است و از مراحم ایزدی و تفضلات صمدی بر عتی شهریار دین
دار مراحم شعار (اعلیحضرت سراج الملة والدين) افتخار داریم
ورضای خداوند تعالی و تقدس - و پیغمبر مقدس علیه الصلوة
والسلام را در رضا و اطاعت پادشاه خود بحکم دین و ایمان خود
منحصر میدانیم و افنای روح و روان خود هارا در اطاعت اولی
الامر فرض ذمت و لازم همت دانسته و میدانیم و از همین عطیة
کبرای الهی کہ (اتحاد مقصد) پادشاه ورعیت است امید وار
ترقیات فوق العادہ دین و دنیا بوده و میباشیم .

فرض ذمت ما رعایاست کہ شکرانه این نعمت عظمی را بجا
آورده و دوام این سعادت را از حضرت فیاض مطلق جل جلاله
بصد نیاز مسئلت نمائیم .

یارب این نعمت کہ ما را داده در تزیید دار تا یوم القیام

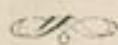
(۶)

و علاوه از ادای شکرانه آلهی توجه نام بداریم که در باب
اتحاد و اتفاق همدیگر کوشان باشیم و اوامر الهیه و ارشادات نبویه
را که مدار سعادت ماست در باب اتحاد و اتفاق و اطاعت و محبت
خائفة زمان و شهریار دوران همواره مدنظر خود داشته باشیم که
خدای زمین و آسمان و پیغمبر انس و جان و امامان دین و ایمان
و مقتدایان ما درین باب چه فرموده و برای رفتار ما مسلمانان افغان
درین جزو زمان چه دستور العمل عطا فرموده شده است درین
اوراق بعض اوامر الهیه و سنن نبویه و اعمال و اقوال ائمه دین
مبین را که تعلیم و تعلم آن برای اولاد وطن مقدس و باقی افراد
رأیا ضروری بود تحریر شده در (مطبعة عنایت) که از مراحم
معارف پروری همت عالی نهمت حضرت شهزاده عالی متعالی جناب
معین السلطنه صاحب افخم ابقاء الله تعالی تأسیس یافته است هزاران
هزار بطبع رسیده در مدارس دولت مفت و رایگان تقسیم و توزیع
فرموده و میفرمایند —

الله تعالی و تقدس عامه افراد افغان را توفیق عطا فرماید تا این
اوامر سنیه را بکوش هوش شنیده و برطبق آن عمل فرمایند —

(انه قریب مجیب) آمین یا رب العلمین

(المؤلف حفیز عبدالرب عفی الله عنه)



(۷)

﴿ هو الله الموفق ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ اطاعت اولی الامر ﴾

﴿ (۱) آیات کلام الهی - ﴾

يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر
منكم فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله والرسول ان كنتم تؤمنون
بالله واليوم الآخر ذلك خير واحسن تأويلا .

(سورة نساء پاره ۵)

یعنی ای صاحبان ایمان اطاعت خدا و رسول و اولی الامر خود را
بر خود لازم کنید - و در امری که یکدیگر نزاع و خلاف بخائید
بامر خدا و رسول مراجعه کنید اگر ایمان بخدا و تعالی و روز

(۸)

آخرت داشته باشید و این همه ارشاد الهی برای شما خیر و موجب
انجام نیک است .

(۲) احادیث نبوی

عن ابیهریره رضی الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
من اطاعني فقد اطاع الله ومن عصاني فقد عصى الله ومن يطع
الامير فقد اطاعني ومن يعص الامير فقد عصاني وانما الامام جنة
يقال من ورائه ويتقى به -

(صحیح بخاری و صحیح مسلم)

یعنی حضرت ابوهریره که یکی از اجداد اصحاب حضرت
رسالتآب علیه الصلوة والسلام است روایت نمود که آنحضرت
فرموده است کسیکه اطاعت نمود مرا اطاعت کرد خدا را و کسیکه
نافرمانی نمود مرا نافرمانی کرد خدا را و شخصیکه اطاعت نماید
امیر را اطاعت کرد مرا و آنکه نافرمانی ورزد امیر را عصیان
ورزید مرا و پادشاه سپریست که در عتب وی کارزار کرده میشود
و نیکهداری نیز بوی نموده میشود - یعنی مقاتله و مغالنه اعدا
و حفظ و نیکهداری رعایا مرد و منجر در وجود پادشاه است -
(ازین ارشاد نبوی باین نتیجه رسیدیم که مقاتله با اعدا بدون
متابعت و امر پادشاه مخالف او امر پیغمبر ما است) .

(۹)

(عن ام الحسین رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
ان امر علیکم عبد مجیدع بقود کم بکتاب الله فاسمعوا له واطیعوا .

(صحیح مسلم)

یعنی حضرت ام الحسین رض که یکی از زنان صحابیات حضرت
رسالتآب و راوی بسی از احادیث شریفه میباشد میفرماید که
آنحضرت علیه الصلوة والسلام فرمود اگر غلام گوش و بینی پریده
بر شما امیر گردد که بحکم کتاب خداستعالی اداره امور شما را
میناید پس قبول امر او و اطاعت او بر شما لازم و واجب است .

(عن انس رضی الله عنه ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال اسمعوا
واطیعوا وان استعمل علیکم عبد حبشی کان رأسه زبینه : -

(صحیح بخاری)

یعنی حضرت انس بن مالک رض که خادم حضور حضرت
رسالتآب بوده است فرمود که حضرت رسول مقبول علیه
الصلوة والسلام فرمود قبول امر و اطاعت را بر خود لازم شمارید
اگر چه عامل شما غلام حبشی باشد که سر او مانند دانه مویری
بوده باشد - مراد این است که عامل خلیفه مانند خود خلیفه
لازم الاطاعت است و مراد از خوردی سرقصان عقل عامل است
که بقرار ارشاد حضرت خیرالعباد نقصان عامل خلیفه موجب

(۱۰)

عدم اطاعت او نباید شد — بلکه عدم اطاعت عامل موجب
عدم اطاعت خایفه می‌گردد —

(عن ابی هریره رضی الله تعالی عنه قال سمعت رسول الله صلی الله تعالی
علیه وسلم یقول (من خرج من الطاعة فمات میتة جاهلیة ومن قاتل
تحت راية عمیه ویغضب لعصبیة فقتل فقتله جاهلیة ومن خرج علی
امتی بسیفه یضرب بها وفاجرها ولا یتحاشی من مؤمنها ولا یفی
لذی عهد عهده فلیس منی ولست منهم) —

(صحیح مسلم)

یعنی حضرت ابو هریره رض فرموده است که ازان حضرت
علیه الصلوة والسلام شنیدم که میفرمودند کسیکه از اطاعت پادشاه
خارج گشت و دران حالت مرد مرک او مرک جاهلیت است که
احکام مسلمانی بروی جاری نمیگردد و کسیکه زیر بیرق
نامعلوم (یعنی بیرقی که حقیقت و حقیقت آن معلوم نباشد)
مقارنه کند و برای تعصب قومی بغضب شده مقتول گردد — قتل
او نیز بقسم جاهلیت است — و شخصیکه برامت من شمشیر
خود را کشیده نیکو کار و بدکار آنرا یکسان بزند و از مؤمن
امت من کناره جوئی ننماید و با صاحب عهدی وفای عهد ننماید
بس اینچنین اشخاص نه از من اند و نه من از ایشانم — هرگاه بنظر
بصیرت این اوامر سنیه و این ارشادات نافعه که درین حدیث

(۱۱)

شریف حضرت فخرالنیین ورود یافته است دیده وملاحظه شود
برظاهر میگرد که اصول اصلاحات کلیه دران مندرج بودم اجمال
اوامر آن بقرار ذیل است :-

- (۱) مزك اشخاص باغی مزك جاهلیت است -
- (۲) کسانیكه دريك امر نامعلوم وخیال خامی پادشاه زمان مقالته
کنند وزیر بیرق فساد وفتنه اجتمع بنایند وکشته شوند کشته
آنان از جاهلیت است نه شهادت .
- (۳) کسانیكه بسبب تعصبات قومی و دشمنیها و کینه های داخلی
بغضب آمده یکدیگر خودرا میکشند و برخلاف اوامر پادشاه در
بین خود ها فساد وفتنه برپا میدارند قتل آنان از جاهلیت است
نه قتل شهادت -
- (۴) کسیكه بکشت و خون راغب میگرد - و نيك و بد مسلمانانرا
یکسان میکشد و وقای عهد نداشته باشد اینهمه امور موجب عدم رضا
و بیزاری حضرت پیغمبر (ص) سیدالبشر مااست - که از حضرت
فیاض مطلق نجات قوم و اولاد وطن خود را ازان خواستگاریم
آمین .

عن عوف بن مالك (ن) الاشجعی رضی الله تعالی عنه قال خیار
اُمّتکم الذین تحبونکم و یحبونکم و یصلون علیهم و یصلون علیکم و شرار
اُمّتکم الذین تبغضونهم و یبغضونکم و تلعنونهم و یلعنونکم قال قلنا

(۱۲)

یا رسول الله افلا ننبأهم عند ذلك قال لا ما اقاموا فيكم الصلوة -
لا ما اقاموا فيكم الصلوة الا من ولى عليه وال فرآه يأتي شياً من
معصية الله فليكره ما يأتي من معصية الله ولا يترعن بدامن طاعة
(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عوف بن مالک اشجعی صحابی حضرت رسول
مقبول علیه الصلوة والسلام فرموده است که بهترین پادشاهان شما
آنانند که شما ایشان را دوست داشته باشید و ایشان شما را دوست
داشته باشند - و شما داعی و مباح ایشان باشید و ایشان داعی و مباح
شما و بدترین پادشاهان شما آنانند که شما آنانرا مبعوض بدارید -
و آنها شما را و شما مذمت کنند و بدگوی آنان باشید و آنها از شما -
حضرت عوف که راوی حدیث است میگوید که مالان جماعه
حاضرین اصحاب بحضور حضرت رسالت مآب معروض داشتیم
که اگر پادشاهان ما از قسم دوم باشند آیا پادشاهی آنان باقی
مماند و آیا ما با ایشان معارضه ننماییم و اطاعت ایشان را از کردن
خود ها نیفکینیم آنحضرت علیه الصلوة والسلام بشدت تمام
فرمود که تا زمانی که درین شما نماز را برپادارند و از نماز انکار
نکنند هرگز معارضه ایشان را روا مدارید - هرگز معارضه
ایشان را روا مدارید و تکرار این فقره برای تاکید است بعد
از آن چنین ارشاد فرمود که آگاه باشید ای امت مرحومه باینکه

(۱۳)

شخصی که در تحت حکومت و ولایت والی باشد و معصیتی را از معاصی
خدای تعالی از والی خود به بیند پس لازم است که همان معصیت را
در دل مکروه پندارد - اما هرگز دست را از اطاعت والی باز
نکشد -

از مفاد سراسر سداد این حدیث مبارک

(نتایج ذیل حاصل می شود)

(۱) اینکه امیران مسلمانان نیک و بد میباشند و بهترین پادشاهان
آنند که ایشان از رعیت راضی باشند و رعیت از ایشان و بدترین
پادشاهان برعکس میباشند .

(۲) اینکه اگر پادشاه مسلمانان خدا ناخواسته مبعوض قوم بکرد
و قوم مبعوض پادشاه شود پس تا وقتی که آثار اسلام مانند برپاداشتن
نماز و غیره شعایر اسلام را ترك ننموده باشد رعایا را با وجود مبعوضیت
طرفین اطاعت پادشاه لازم و واجب است و مبعوضیت و عدم رضا
از پادشاه هیچ گونه مجوز نافرمانی نیست .

(۳) اینکه اگر افراد رعیه از والی و پادشاه خود ارتکاب معصیتی
را از معاصی خدای تعالی معاینه دارند پس بقرار امر پیغمبر
لازم است که همان معصیت را در دل مکروه پنداشته از درگاه
خداوند جل شانہ سوال نمایند که همان معصیت بطاعت مبدل
گردد و بسبب دیدن معصیت هرگز از اطاعت دست نکشند که
دیدن معصیت عذر عدم اطاعت نمیتواند شد .

(۱۶)

(عن عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنهما قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من خلع يدا من طاعة لقي الله يوم القيامة ولا حجة له - ومن مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية) (صحيح مسلم)

یعنی حضرت عبد الله بن امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب رض فرموده است که از آنحضرت علیه الصلوة والسلام شنیدم که میفرمودند کسیکه دست را از اطاعت و فرمان برداری کشید در روز قیامت با خدای تعالی ملاقی میشود و هیچ حجت و سند نجات برای او موجود نخواهد بود - و شخصیکه ببرد و در کردن او بیعتی نباشد این مرگ او از جاهلیت است .

➤ مفاد حدیث مبارک ➤

(۱) اینکه دست کشیدن از اطاعت پادشاه زمان موجب باطل کشتن جمیع دلایل نجات اخروی مؤمن است یعنی اگر دلایل بسیاری از عبادات برای نجات اخروی داشته باشد و در اطاعتش خلل راه یابد این درد بیدرمان همگی را باطل میسازد (الله تبارک و تعالی قوم و رعیه افغانستانرا ازین مصیبت نجات بخشد)

(۲) اینکه اشخاصیکه در یاغستانات بود و باش دارند و پادشاه مسلمانان بیعت نکرده اند و در کردن ایشان قلاده اطاعت پادشاه مسلمان نیست مرگ همگنان مرگ جاهلیت است .

(۱۵)

الحمد لله هزاران هزار شکر مر حضرت منع حقیقی راست که
ملت افغان از قوم خود پادشاه مسلمان دیندار دارند - و از مرک
جاهلیت بر طرف میباشند .

عن عرفجة رضي الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه
وسلم يقول انه ستكون هنات وهنات فبن اراد ان يفرق امر
هذه الامة وهي جميع فاضربوه بالسيف كائنا من كان -

(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عرفجة صحابی رض میفرماید که از حضرت رسالت
مآب علیه الصلوة والسلام شنیدم که میفرمود زود است که فسادها
و شرور زیادی واقع گردد - پس کسیکه اراده کند تفریق امر
امت را در حالیکه امت جمع و متفق باشد بشمشیر بزنید و بکشید آن
تفریق دهنده را هر کسیکه باشد .

مفاد حدیث مبارک

(۱) معجزه ظاهره آنحضرت (ص) ازین حدیث ثابت میشود که
بوقوع شرور و فسادات و نزاع در امر خلافت قبل از وقت آن خبر
داده اند و هدایت اصحاب و باقی مسلمانان را فرموده اند .

(۲) اینکه تفریق دهنده امر امت بعد از آنکه بر شخصی اجتماعشان
حاصل گردد هر که باشد لازم القتل است - و مراد این است که
اگر شخصی مدعی فضیلت باشد و باعث و موجب تحریک فتنه گردد

(۱۶)

و در اجتماع مسلمانان خلل افکند همان شخص با وجود فضیلتش واجب القتل است زیرا که تصریحات او امر شرعی و هدایات نبویه مقتضی بقای امن و امان و دفع فساد و فتنه میباشد و تحریک فتنه اگرچه فرضاً برای نتیجه نیک باشد بحکم شرع انور ممنوع و محرک آن واجب القتل است .

(و عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من اناكم و امرکم جميع على رجل واحد يريد ان يشق عصاکم او يفرق جماعتکم فاقتلوه .)

(صحیح مسلم)

یعنی و نیز حضرت عرفجه (رض) که راوی حدیث سابق است فرموده است که شنیدم از حضرت رسول مقبول علیه الصلوٰة والسلام که میفرمودند - چون امارت شما بر مردی قرار یافته باشد و اجتماع نمایان حاصل باشد پس هر که اراده خلل اندازی در اتفاق نمایان بنماید یا تفریق دهد جماعت شما را بکشید او را .

(عن عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من بايع اماماً فاعطاه صفقة يده ونمرة فؤاده فليطعمه ان استطاع فان جاء آخر ينازع فاضربوا عنق الآخر) .

(صحیح مسلم)

یعنی حضرت عبد الله بن عمر فاروق رضي الله تعالى عنهما

(۷)

روایت نموده است که آنحضرت علیه الصلوة والسلام فرمودند
 کسیکه بیعت کرد با پادشاهی و پیمان دست و نمره دل خود را بوی
 داد پس لازم است که تا وقت وجود قدرت و استطاعت در اطاعت
 او قصور ننماید - و اگر دیگری آمده با پادشاه موجود منازعه
 کند کردن آن دیگر را بزنید .

(عن ابن عمر رضی الله تعالی عنهما ان النبی صلی الله تعالی علیه
 وسلم قال ان السلطان ظل الله فی الارض یأوی الیه کل مظلوم من
 عباده فاذا عدل کان له الاجر و علی الرعیة الشکر و اذا جار کثر علیه
 الاصر و علی الرعیة الصبر) .

یعنی از حضرت عبد الله بن عمر فاروق رضی الله تعالی عنهما
 روایت شده است که آنحضرت علیه الصلوة والسلام فرمود پادشاه
 سایه خدای تعالی است در زمین که هر ستم دیده و ظلم کشیده از
 بندگانش او تعالی بوی رجوع میکنند و بداد خواهی نزد وی میروند
 اگر عدل کند او را اجر ثابت و بر رعیت شکر لازم است و چون
 جور و ستم نماید بروی بار گناه لازم و بر رعیت صبر واجب .
 (عن یونس بن اسحاق عن ابیه قال قال رسول الله صلی الله علیه
 وسلم کما تکونون کذلک یؤمن علیکم) .

یعنی یونس بن اسحاق تابعی از حضرت پدر بزرگوار خود
 که صحابی حضرت رسول مقبول علیه الصلوة والسلام است روایت

(۱۸)

نمود که آنحضرت (س) فرمود چنانچه بوده باشید همچنان امیر
و حاکم بر شما مسلط میگردد یعنی خوبی و بدی حاکم بر وفق اعمال رعایا
است و بهمین مضمون در جای دیگر ثابت شده است که اعمالکم
عمالکم یعنی عملهای شما عاملان شماست و تفصیل این خطاب در
حدیث آینده بخوبی مذکور است .

عن ابی درداء رضی الله تعالی عنه قال قال رسول الله صلی
الله تعالی علیه وسلم ان الله تعالی یقول انا الله لا اله الا انا مالک
المساوک و مالک الملوک قلوب المساوک فی بدی و ان العباد اذا اطاعونی
حولت قلوب ماو کهم علیهم بالرحمة و الرأفة و ان العباد اذا عصونی
حولت قلوبهم بالسیطة و النقمه فساموهم سوء المذاب فلا تشغلوا
انفسکم بالدعاء علی المساوک و لکن اشغلوا انفسکم بالذکر و التضرع
کی اکفیکم ماو ککم .

(ابو نعیم در کتاب حلیة الاولیا)

یعنی حضرت ابودردای صحابی رضی الله تعالی عنه روایت نموده
است که آنحضرت علیه السلاوة والسلام فرمود که الله بیبارک
و تعالی میفرماید منم خدای برحق که نیست هیچ معبود برحق
بجز من . مالک پادشاهانم و پادشاه پادشاهان دلهای پادشاهان در دست
تصرف من است چون بندگان من اطاعت و رزند مرا دلهای
پادشاهان شان را برایشان نرم و مهربان میگردانم - و چون بندگان

(۱۹)

عصیان ورزند مرا دل‌های پادشاهان شان را بقر و عذاب رسانی
متبدل می‌سازم که ایشان را بمذاب شدید معذب دارند و چون
این همه امور مخصوص اراده و فرمان من است پس هر کس
خود را به بد گفتن پادشاهان خود مشغول مسازید لیکن چون
از ایشان جور و ستم بینید خود هارا بد کر و نضرع و زاری
بدرگاه من مشغول سازید تا کفایت شمارا از پادشاهان شما بنمایم .

﴿ این حدیث (حدیث قدسی است) ﴾

که عبارت و لفظ آن از حضرت رسول مقبول و مضمون آن
از حضرت الله تعالی و تقدس است و حضرت رسول مقبول حکایت
آن را بزبان هدایت ترجمان خود فرموده مسلمانان کامل العقیده
افغانرا دستور العمل کافی و شافی است که اختیار جمیع امور از
حضرت حق تعالی است خوبی و بدی — بالادستان مربوط حسن
عمل و سوء عمل زیر دستان است الله تعالی اعمال ما را خوب
و بر شریعت مطهره مطابق داشته باشد تا همواره از مزاجم شهریار
خود مشمول عواطف خدروانه بوده باشیم .

(عن عبادة بن الصامت رضي الله تعالى عنه قال بايعنا رسول
الله صلى الله عليه وسلم على السمع والطاعة في العمر واليسر
والمنشط والمكره وعلى ائمة علينا وعلى ان نقول بالحق انما كنا

(۲۰)

لَا خُفَافٌ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنْتُمْ وَعَلَى أَنْ لَا تَنْزِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا
كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنْ اللَّهِ فِيهِ بَرَهَانٌ -

(صحیح بخاری و صحیح مسلم)

یعنی حضرت عبادہ بن صامت صحابی (رض) فرموده است که
مابین جماعه اصحاب (رض) با حضرت رسول مقبول علیه الصلوٰۃ
والسلام بر امور ذیل بیعت نموده ایم -
قبول امر و اطاعت در دشواری و آسانی و حالت نشاط
و عدم نشاط -

قبول بر کزیدن دیگری بر ما بحکومت و غیره
کفتار راست در هر با که باشیم - و در اطاعت امر خدایتعالی
از ملامت هیچ ملامت کنندہ خوف ننمایم -
نزاع نمودن در امارت با اهل آن مکر اینست که کفر ظاہر که
تزد خدایتعالی حجت و سند عدم اطاعت شدہ بتواند از وی نمایان
و آشکارا دیدہ شود فعوذ باللہ منها .

این حدیث مبارک کہ باوجود قلت الفاظ شامل کلیات امور
سیاست مدنیہ و حاوی اصول حقوق پادشاه و رعیه میباشد کیفیت
بیعت رعایای مسلمانان را با پادشاه مسلمان بقرار ذیل ارشاد
فرمودہ است -

(۲۱)

(۱) قبول امر و اطاعت در وقت دشواری و آسانی و رضا و عدم رضا یعنی رعایا در امر دشوار و آسان و مطابق خیال و مخالف آن یکسان اطاعت نمایند -

(۲) اگر پادشاه بحق از حقوق بعض افراد رعیه را بخصوص گرداند و بعض را محروم - یا بعض افراد را بر بعض دیگر حاکم و بالا دست مقرر دارد همان افراد زیر دست بقرار امر پیغمبر حق شکوه را ندارند بلکه قبول امر و اطاعت برای رعایا لازم است .

(۳) راست کرداری و راست گفتاری در هر جا و هر زمان لازم رعایاست که در امریکه حق خدایتعالی باشد از هیچ کس خوف ننکرده و بملامت ملامت کنندگان بآلک نشمرده راستی را پیشه خود گیرند و حقوق پادشاه را راستی تأدیه نمایند و از کذب و فریب و جبهله و غدر با پادشاه و در بین خود اجتناب تمام لازم شمارند -

(۴) در امارت با اهل آن هیچ نزاع و خلاف روا ندارند و تا زمانی که خلیفه مسلمانان مسلمان باشد و کفر صریح ظاهر که هیچ شک و شبهه را دران راه نباشد از خلیفه ظاهر ننکرده تا آنوقت خلیفه زمان مطاع الامر و لازم الاتباع است و نزاع نکنند و عوړك فتنه لازم القتل است - و این نکته توجه مسلمانان لازم

(۲۲)

است که درین حدیث مبارک که ارشاد حضرت خیر العباد (ص)
و موجب اصلاح حالت جمیع افراد و رافع فتنه و فساد است در باب
عدم نزاع در امارت تا کیدات زیاده ورود یافته است - و بالعجز
نبوی این امر قبل از وقوع دانسته شده است که بعض افراد
رعبه بتقاضای نفس با امرای زمان خود نزاع خواهند کرد و بهانه
نزاع آنان نسبت کفر و ظلم و غیره خواهد بود - بی نی این
بهانه موجب تحریک فساد و فتنه است - و حضرت هادی صراط
مستقیم و بان شرع قویم علیه السلاوة و التسلیم ازین گونه مفاسد
افراد امت را تأقیام قیامت ممنوع فرموده و حفظ قواعد اسلام
را باطاعت اولی الامر و اتفاق و اتحاد و باز و داری افراد امت
مربوط گردانیده و چنین ارشاد فرموده است که تا زمانی که پادشاه
مسلمانان باشد و منکر اصول اسلام نکردد واجب الاطاعت
و لازم الاتباع است مگر در صورتی که حکومت مسلمانان بکافری
تکیه کند یا حاکم مسلمانان بخذلان شیطان کفر را اختیار کند
(نعوذ بالله) و از اصول اسلام انکار نماید و کفر او ظاهر
و آشکارا باشد که تاویل و بهانه و حیل را دران راه نباشد دران
صورت افراد رعبه مسلمان را صبر بر اطاعت و زیر دستی کافر موجب
عدم رضای حضرت پیغمبر و باعث تباهی اعمال حسنه و غیرت
اسلامیست .

(۲۲)

سبحان الله !!!

چگونه پیغمبر صادق و خیر خواه موافق که ارشادات او همگی موجب سعادت دنیا و عقبای ما است از انعامات آلهی برای ما عطا و احسان شده است و بشرف امت بودن او افتخار یافته ایم و ما مسلمانان بکدام حد و اندازه در ادای حقوق دینی و عمل بمقتضیات او امر نبویه تفریط و تقصیر نموده ایم که در خدمت دین و دوات خود بهانه جوئی میکنیم — کسانی که مسلمان و در امت حضرت سید الانام علیه الصلوة والسلام محسوبند و از شومئ اعمال و غفلت از ارشادات و هدایات حضرت رسول برکال علیه الصلوة والسلام زیر تسلط ملت غیر در آمده و دین و ناموس شان در محل خطر است در اطاعت حکام غیر دین خود کوشش میورزند و به بهانه های نفسانی و تسویلات شیطانی اطاعت ملت غیر را برای خود موجب نجات تصور کرده اند !!! و کفر حقیقی ! و شرک ظاهری ! و نصرائیت بدیهی ! حکام ایشان موجب نزاع رعبه و حکام نمیکردند ما مسلمانان افغان که بحمد الله و المنة دعوی غیرت دینی و قومی و فطری را داشته و داریم و دل داده محبت و اطاعت حضرت رسول انام علیه الصلوة والسلام و خدام و جاگران صمیمی دین متین اسلام بوده و میباشیم و زیر دستی ملت غیر را مخالف و ضد ایمان و اسلام خود دانسته با بار قوم و ناموس خود را از تسلط

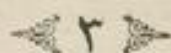
(۲۴)

ملت غیر بحکم دین و ایمان بتوفیق ایزدمنان مغفوط داشته ایم -
و صغیر و کبیر و برناویر ما بفنا نمودن روح و روان خود کفیل
حفظ دین و ناموس بوده هستی خود را با محکومیت غیر ملت موجب
خسران دین و دنیا و محرومیت از رضای حضرت محمد مصطفی (س)
و موجب نزول غضب الله تعالی دانسته و میداند -

پس با وجود انصاف ما با یحنین صفات فاضله که خویش و بیگانه
الحمد لله والمنة اقرار و اظهار آن را کرده و میکنند - چگونه
در اطاعت و محبت و خدمت پادشاه مسلمان با دیانت خود که
به نیت صادق و اعتقاد موافق و عبادات لایق متصف است و جود
خود ها را محو و نابود نسازیم - و رضای پادشاه خود وسی در
اطاعت و فرمان برداری او را چرایی حصول رضای صاحب دین
متین و ترقی شرع مبیل و ابطال اراده باطله اعدای دین و ناکامی
ندایر مفسدین اخوان الشیاطین بالیقین حاصل نداریم - خدایا
کریم! کرد کارا توفیق و هدایت و ارشاد نصیب ملت و پادشاه
افغان بدار تا بر طبق رضایت و بروفق او امر رسول بر حقت در
خدمت دین و دوات صرف همت و غیرت بنمایند (این دعا از من
* و از فوج ملک آمین باد)



(۲۵)



فی بعض الكتب .

ابن آدم تدعو علی من ظلمک ویدعوا علیک من ظلمته فان
شئت اجیناک واجینا علیک وان شئت اخرنا الامر الی یوم القیمة
فیسمکم العفو .

یعنی در بعض کتب سماوی ورود یافته است که الله تعالی
با انسان خطاب نموده میفرماید .

ای ابن آدم دعای بدبینانی بر آنکه بر تو ظلم نموده است و از من
داد میخواهی و در همین حالت بر خودت نیز مقاوم دیگری که
ستم دیده است دعای بد میکند و داد خود را از من میطلبد پس
اگر خواهی دعای هردو را قبول فرموده داد او را از تو و داد
ترا از ظالم میستانم و اگر خواهی قبول دعای هردو را بروز
قیامت میگذارم تا عفو واسع من همه کاترا در برگیرد

از تحدیث قدسی واضح میگردد که هر ستم و جوری که انسان
از بالا دست خود می بیند در همان حالت خود دوی بر زیر دست خود
ظلم و ستم روا داشته عدالت الهی موجب این میگردد که بالادست
وی نیز بروی ظلم و ستم بنماید .

بنابران عاقل منصف را لازم است که حقوق زیردستان خود را

(۳۶)

ضایع نموده و از ستم بالا دست شکوه نکنند و علاج اصلی آنرا
برضای زبردست خود بنماید -

(قال عبیدة السلمانی لعلی رضی الله تعالی عنه یا امیر المؤمنین ما بال
ابی بکر و عمر انطاع الناس لهما و الدنیا علیهما اضیق من شبر فالتسعت
علیهما و ولیت انت و عثمان الخلافة و لم یطاعوا لکما و الدنیا قد
انضمت فصارت علیکما اضیق من شبر فقال لان رعیت ابی بکر و عمر
کانوا مثلی و مثل عثمان و رعیتی انا الیوم مثلك و شبک - !!
یعنی حضرت عبیده سلمانی تابعی از حضرت امیر المؤمنین علی
کرم الله تعالی وجهه رسید که آیا بجه سبب مردمان اطاعت
ابوبکر و عمر را قبول کردند و دنیائی که بکوجب بود و سعت
یافت و چون نوبت خلافت بخودت و عثمان رسید از اطاعت شما
نفرت نمودند و دنیای وسیع بر شما از وجب تنگ تر گشت حضرت
امیر المؤمنین (رض) در جواب فرمودند که رعیت ابوبکر و عمر چون
امثال من و عثمان بودند از انزو درجه امرای ما نیز بهمان حد
رسید و رعیت من امثال و اشباه خودت میباشند پس چرا با آن حد
ترقی ننماییم -

ازین اثر مبارکترین نتیجه رسیدیم که ترقیات مادی و معنوی
امر خلافت و سلطنت تابع حالت رعیت است اگر رعایا بصفات
سنة و جوش و خروش ایمانی متصف و متحلی باشند حالت امارت

(۲۷)

فتر ترقی میکند و خلیفه زمان از رعایای خود خدمات مفیده گرفته میتواند و نتایج عظیمه ترقیات دینی و دنیوی از مساعی رعایا حاصل میشود و اگر تعصبات قومی و اغراض شخصی مد نظر افراد رعیه بگردد حالت خلافت و سلطنت متغیر شده و در صورت فساد اخلاق افراد رعیه توجه خلیفه زمان منتج فوائد عامه نمیکردد از انزو هر یک از رعایا را توجه کامل با اصلاح حالات شخصی و اعمال ذاتیه خود فرض عین و عین فرض است .

رفتار مجتهدین دین متین حضرت سید المرسلین

(در باب اطاعت اولی الامر : -)

حضرت امام همام اعظم و مقتدای عالم امام (ابوحنیفه کوفی رحمه الله تعالی علیه) که مجتهد مطلق میباشند و مالان افغانیان تابع مذهب مذهب و مقلد احکام فقهیه شان میباشیم ولادت با سعادت شان در سنه ۸۰ هشتاد هجری و وفات حسرت آیات شان در سنه ۱۵۰ یکصد و پنجاه هجری قدسی است .

حضرت امام اعظم رح معاصر خلیفه ابو جعفر منصور دوانیقی (خلیفه دوم از خلفای عباسیه) بوده اند چون علم و تقوی و زهد و فقاقت حضرت امام شهرت یافت (خلیفه ابو جعفر منصور) اراده نمود که منصب قضای ممالک اسلامی را بحضرت امام مفوض دارد از انزو حضرت امام را بحضور خود طلبیده امر نمود که

(۲۸)

منصب مذکور را قبول نماید حضرت امام چون از حفظ و نفسانی کاملاً در گذشته بودند و اشغال و مناصب را محل ادای عبادات و طاعات میدانستند بنابراین در حضور خلیفه از منصب قضا استعفا نمودند و از مجلس خلیفه مرخص شدند چون همواره نفری زیادی برای حل مسائل دینی بحضور امام حاضر میشدند مخالفین و حامدین حضرت امام بسمع خلیفه رسانیدند که امام ابوحنیفه (رحمة الله تعالی علیه) منصب قضا را قبول نکرد و از منصب و مرحمت پادشاه ابا نمود مگر در خانه خود مردمان را با احکام و مسائل فتوی میدهد (خلیفه ابو جعفر منصور) ازین امر رنجیده امر نمود که (ابولیلی) که عالم فقیه و معاصر حضرت امام بود بمنصب قضای ممالک مقرر گردد و حضرت امام ابوحنیفه رح بالکل از فتوی موقوف باشد حضرت امام اعظم رحمه الله تعالی بعد از صدور این امر خلیفه در را بر خود بسته و مردمان چون بدر سرای برای حل مسائل حاضر میشدند همگانرا نزد ابولیلی که بدرجه تلمیذ حضرت امام بود و در علم و عمل با حضرت امام مساوات نداشت بسبب امر خلیفه ارسال می نمود و در هیچ مسئله جواب نمی فرمود تا اینکه شبی دختر حضرت امام که نهایت قدرمند و پسندیده حضرت امام بود برای ادای نماز تهجد در نصف شب برخاسته بعد از تکمیل وضو دندان مبارکش قدری خون شده

(۲۹)

چون لعاب دهن را ملاحظه نمود بسبب قلت نفیر رنگ لعاب دهن
در نقض وضوی خود مشبه گردیده در همان نصف شب این پدر
منیر بحضور حضرت پدر بزرگوار خود حاضر شده کیفیت واقعه
را معروض داشت و حل این مسئله را از حضرت امام درخواست
نمود حضرت امام که درینوقت شریف بادای نماز تهجد مصروف
بودند بنظر عطاوقت پدرانه دختر عقیقه عابدۀ صالحه خود را
منظور فرموده گریه زیاد نمودند و از دختر خود در حل سوال
شان عذر خواستند و برقت تمام فرمودند که «چکر پاره من !
خلیفه زمان مرا از فتوی منع فرموده حل سوال ترا بیان نموده
نیتوانم از قاضی ابی لیلی که قاضی مملکت و منصوب خلیفه وقت
است حل مطلب خود را بنمائیده از پنجواب باصواب تحسیر انتساب
دختر صالحه عقیقه اش نیز بگریه در افتاده در ظل شب این چراغ
و ستاره دین باهم گریه زیاد نمودند حضرت امام فرمودند که
چون لیاقت منصب قضا را در خود ندیدم در حضور خلیفه ازان
استعفا کردم اما در نیم شب در باب حل سوال جگر پاره خود
بر خلاف امر خلیفه فتوی داده نمیتوانم

سبحان الله - !!!

چگونه دین متین و چه امامان و تابعان حضرت سید المرسلین
علیه الصلوٰة والسلام داریم که تقلید و متابعت آثار مبارکه شان

(۳۰)

موجب نجات دنیا و عقبای ما است —

ای اولاد وطن دیانت مسکن مقدس رفتار و سلوک مقتدای دین
ماوشما حضرت امام اعظم معظم رحمة الله تعالی علیه این بود که
در نصف شب در حل مسئله دینی با دختر خود برخلاف امر خلیفه
فتوی نمیداد مابین افغانان که الحمد لله والمنة تابعان حضرت امام بوده ایم
درین زمان اخیر که جدائی از قوم و پادشاه خود موجب برکدن
شیرازه حکومت اسلامی میگردد چرا در اطاعت و محبت پادشاه
خود از سر قدم انسازیم و رضای اولی الامر خود را برای ترقی
دین و دولت خود چرا حاصل نداریم :-



(۳۱)

فرمان اعلیٰ حضرت هایونی

نحر شب دوشنبه ۲۵ ماه ربیع الاول سنه ۱۳۳۴
عالیجاء فضایل همراه قاضی القضاة را واضح باد
احادیث شریف و بعضی اقوال که درج این رساله
میباشد بدستی ملاحظه کرده هرگاه مطابق
شرع شریف باشد تصدیق کنید

(سراج الملة والدين)

بزودی ارسال حضور خواهی کرد انشاء الله تعالی



(۳۲)

جواب فرمان اعلیٰ حضرت هایدنی

تصدق حضور انور اعلیٰ حضرت هایدنی والا شوم
در باب رساله اطاعت اولی الامر ارسالی حضور هایدنی
معروض میشود که در باب اطاعت اولی الامر مرا تقدیر که زیادت
ودلائل دینیہ تحریر شود هنوز کمتر است زیرا که اطاعت اولی
الامر ثالث اطاعت حضرت خدا و رسول (ص) می باشد و در امر
مباح اطاعت امر شان واجب میگردد — و بسیار لازم است که
درین باب رسایل و توائف اجرا و طبع شود — خود اینبنده
درگاه الله تعالی نیز درین باب عزم مصمم داشتم که در باب اطاعت
اولی الامر دلائل دینی را تحریر دارم مگر بسبب زیادت مرض در تعویق
افتاد این رساله صحیح و واجب العمل است زیاده اختیار بحضور
والا است بلکه امر اولی الامر فعل مباح را واجب میگرداند فقط
آلہی همواره خیر دارین نصیب کناد به برکت محمد صلی الله علیه
وسلم و آلہ الإحباد و صحبہ الاولاد

الراقم

سعد الدین قاضی القضاة



